

مطالعه تأثیر جهانی‌شدن زندگی فرهنگی و سیاسی بر اعتماد اجتماعی شهروندان تهرانی

انسبیه اصغری^۱

نوروز هاشم زهی^۲

بهرام قدیمی^۳

تاریخ وصول: ۹۷/۰۶/۱۷

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۶/۰۹

چکیده

پدیده جهانی‌شدن از جمله موضوعاتی است که کلیه کشورهای درحال توسعه از جمله ایران را به خود مشغول داشته است. هدف پژوهش حاضر شناخت و ارزیابی پدیده جهانی‌شدن زندگی فرهنگی و سیاسی شهروندان تهرانی و تأثیر آن بر اعتماد اجتماعی است. روش پژوهش حاضر پیمایش، ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه و شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای بوده است، با این روش حجم نمونه ۳۰۰ نفری از شهروندان در مناطق یک، هفت و هفده کلان‌شهر تهران مطالعه شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد، میزان اعتماد اجتماعی و جهانی‌شدن زندگی فرهنگی شهروندان تهرانی درحد متوسط و جهانی‌شدن زندگی سیاسی در حد بالا است. متغیر جهانی‌شدن زندگی فرهنگی با اعتماد اجتماعی دارای همبستگی بوده و ارتباط معناداری میان این دو وجود دارد، لیکن میان جهانی‌شدن زندگی سیاسی با اعتماد اجتماعی رابطه معناداری وجود ندارد. ضریب رگرسیون نشان می‌دهد که $R^2=0/03$ می‌باشد. بنابراین رابطه علی بین اعتماد اجتماعی و جهانی‌شدن زندگی فرهنگی و سیاسی ضعیف است. با توجه به مدل تحلیل مسیر، جهانی‌شدن زندگی فرهنگی تأثیرمستقیم و جهانی‌شدن زندگی سیاسی تأثیر غیرمستقیم بر اعتماد اجتماعی داشته است.

واژگان کلیدی: جهانی‌شدن، جهانی‌شدن زندگی فرهنگی، جهانی‌شدن زندگی سیاسی، اعتماد اجتماعی، شهروندان تهران.

۱- پژوهشگر گروه فرهنگی سیاسی، مرکز پژوهش‌های اجتماعی کندوکاو، تهران، ایران.

۲- استادیار گروه علوم اجتماعی و ارتباطات، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

no_hashemzahi@yahoo.com

۳- دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

جهانی‌شدن، اصطلاحی است که از اواسط دهه ۱۹۸۰ متداول شده و به معنی فرو ریختن مرزها و فراتر رفتن از آن در سطح جهانی در ابعاد اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی که فرایند آن دگرگون‌شدن ساختارهای محلی به جهانی است. ابعاد و دامنه فرایند جهانی‌شدن آنقدر وسیع و گسترده است که تمام شئون زندگی بشر را تحت تأثیر قرار داده است (فرهادی محلی، ۱۳۹۰: ۶۳). جهانی‌شدن از مرزهای سیاست و اقتصاد فراتر رفته و علم و فرهنگ و شیوه زندگی را نیز در بر گرفته است (دهشیری، ۱۳۹۳: ۲۴). برخی از صاحب‌نظران جهانی‌شدن را به‌عنوان بزرگترین رخداد تاریخ بشری یاد می‌کنند (فرهادی محلی، ۱۳۹۰: ۲۴). به قول گیدنز جهانی‌شدن، مدرنیته بزرگ شده است. لذا باید توجه داشت که جهانی‌شدن در هر سطحی بیش از هر چیز مدیون تحولات علمی و همچنین انقلاب صنعتی در جهان است و این تحولات را نمی‌توان خارج از چارچوب مدرنیسم تحلیل نمود. از طرف دیگر سرمایه‌داری که هم زمینه‌ساز تولید علم و انقلاب صنعتی گردید و هم با انقلاب صنعتی و رشد فناوری به یکی از نظام‌های مسلط جهانی تبدیل شد، ماهیتاً یک عنصر توسعه‌یابنده است که حیات خود را تنها در فراهم‌شدن یک قلمرو جهانی جست‌وجو می‌کند که روزی در قالب استعمارگری دنبال می‌شد. بر این اساس، جهانی‌شدن را نمی‌توان یک پدیده طبیعی دانست که ناخواسته در اواخر قرن بیستم خود را به مردم جهان عرضه کرده است، بلکه باید بخش قابل توجهی از آن را نتیجه فشار نظام سرمایه‌داری تلقی نمود که در این مقطع زمانی و به مدد پیشرفت صنعت جهانی ارتباطات فرصت ظهور یافته است (احمدزاده کرمانی، ۱۳۹۰: ۲۷۱). از زاویه فرهنگی، جهانی‌شدن ضمن بهره‌مندی از دستاوردهای فناوری نوین اطلاعاتی و ارتباطی و با تشکیل جامعه شبکه‌ای و مجازی مقوله فرهنگ و هویت ملی که از ویژگی‌های واحدهای سیاسی سرزمین بنیاد عصر مدرنیته است را مورد چالش قرار داده و با سرزمین‌زدایی، رابطه طبیعی میان قلمروهای جغرافیایی را مختل ساخته و با حذف جبر جغرافیایی، حصار سرزمینی و کارکرد بازدارنده مرزها، تبادل فرهنگ‌ها را تسهیل و تسریع نموده است. به قول مانوئل کاستلز، سرمایه‌داری اطلاعاتی با ایجاد نوعی امپریالیسم الکترونیک، جریان یک‌سویه اطلاعات را موجب شده و نوعی فرایند شبیه‌سازی یا همگن‌سازی فرهنگی را در جهان تعقیب می‌کند. به علاوه، جهانی‌شدن باعث تضعیف و کم‌رنگ‌ترشدن نقش هویت‌سازانه دولت می‌شود، زیرا این فرایند با نفوذپذیر ساختن مرزها و فضا محوری امر اجتماعی به‌جای مکان‌مندی آن، نقش یک‌تازانه دولت را در امر هویت‌سازی به چالش طلبیده و بسترهای مناسبی برای ظهور بحران هویت و معنا فراهم نموده است، به‌طوری که دیگر دولت‌ها در فضایی بسته، محدود، انحصاری و ایمن کارکرد هویت‌ساز خویش را به نمایش نخواهند گذاشت و به موازات ظهور مراجع متعدد و متکثر فراملی و فرو ملی هویت‌ساز، دولت ملی جایگزین‌های قدرتمندی را فراروی خود می‌بیند (کریمی‌مله، ۱۳۸۱: ۸). با ظهور عصر دوم رسانه‌ها، نوع جدیدی از

جامعه ظهور کرده است که وسایل ارتباطی جدید در آن جامعه همگی در راستای جهانی شدن فرهنگ عمل می‌کنند. در جامعه جدید، جهان که به نظر مارشال مک لوهان در عصر ارتباطات به دهکده کوچک تبدیل شده بود، به صورت یک دهکده الکترونیک درآمده است. زیرا در این جهان جدید همه می‌توانند به رادیو و تلویزیون و رسانه‌های الکترونیک جدید و آخرین اطلاعات منتشر شده دسترسی داشته باشند. در این جهان، یک انسان مثلاً اتیوپیایی می‌تواند با داشتن اندک امکانات، مانند یک انسان اروپایی و آمریکایی از اطلاعات روزآمد و جدید در همه زمینه‌ها استفاده کند و در صورت لزوم، اطلاعاتی را تولید و برای مصرف‌کنندگان بی‌شمار ارسال کند. به زعم دورینگ بسیاری از محققان و نظریه‌پردازان مکتب انتقادی برآنند که این امر صورت ساده شده مسأله مربوط به رسانه‌های جدید الکترونیک و جهانی شدن اطلاعات است. این گروه معتقدند که جهانی شدن در معنای واقعی‌اش، غربی شدن، یکنواخت شدن و هماهنگ کردن فرهنگ جهان با فرهنگ غربی است. از نظر آن‌ها، تمام شبکه‌های پیشرفته ماهواره‌ای در غرب تولید و راه‌اندازی می‌شود. همچنین تمام سیستم‌های ارتباط جدید، اعم از اینترنت و سرورهای مرتبط با آن و حتی نرم‌افزارهای مادر، توسط شرکت‌های بزرگ چند ملیتی ساخته شده و مقر همه آن‌ها در اروپا و خصوصاً آمریکا است (احمدزاده کرمانی، ۱۳۹۰: ۳۶۶). از منظر سیاسی، جهانی شدن می‌تواند تأثیرات شگرفی در فرهنگ و مناسبات سیاسی در سطح جهانی از خود برجای بگذارد. ترویج اندیشه جهان وطنی در سطح روابط میان ملل و اقوام، ارتقاء دموکراسی و رشد فرهنگ سیاسی در سطح جهان، تبدیل اقتدار سنتی جوامع به قدرت نظام‌مند و رقابتی، رشد و گسترش حقوق شهروندی، تقویت و رشد آگاهی در قالب جامعه مدنی، تحول در بینش‌های سیاسی، تغییر شیوه نگرش به حیات سیاسی، شکل‌گیری ایستارهای تکثرگرا و ضد اقتدارگرا در روابط ملت‌ها و دولت‌ها، تبادل اطلاعات، عقاید، افکار و ارزش‌های سیاسی در سطح کلان و بین‌المللی و نهادمند شدن تکثر و آزادی انتخابات در قالب مدل‌های توسعه سیاسی و جامعه مدنی، بخش قابل توجهی از تأثیرات جهانی شدن در عرصه سیاسی در سطح جهانی است (میرمحمدی، ۱۳۸۱: ۶۵). تغییر در شیوه‌های سنتی و ایستای نگرش‌های سیاسی، ساختار متمرکز قدرت و بینش معطوف به اقتدار یک‌سویه و جایگزین شدن تفکر و آزادی انتخاب در قالب مدل توسعه سیاسی و جامعه مدنی، موجب استقرار قدرت و بینش چندسویه، جهانی شدن فرهنگ سیاسی مبتنی بر آزادی‌خواهی، انتخاب محور، توسعه‌گرا و تجویزات عقلایی از دیگر دستاوردهای جهانی شدن، در بعد سیاسی محسوب می‌شود (هابرماس، ۱۳۸۱: ۷۰). فوکویاما دو بعد فرهنگی و سیاسی را از ابعاد اصلی جهانی شدن می‌داند و معتقد است هر دو این ابعاد با مفهوم عام مدرنیته قابل توضیح است. مدرنیته در حال جهانی شدن است و الزامات و نتایج مشخص در حوزه فرهنگ و سیاست دارد. در حوزه فرهنگ به نظر فوکویاما دو اتفاق هم زمان در حال رخ دادن است. یک هم‌گن شدن فرهنگ‌ها که به لحاظ تأثیراتشان از مدرنیته است و دیگری تثبیت و تقویت هویت‌های فرهنگی مجزا و خاص. به نظر او

همگن شدن و جا افتادن هویت‌های متفاوت فرهنگی هم زمان به وقوع خواهد پیوست و به نظر او آنچه به‌عنوان گوهر بنیادین ناشی از این همگنی بروز کرده و خود را در قالب سیاست نشان می‌دهد. جهانی شدن الگوی دموکراسی و حقوق بشر است، نه اینکه در تمام جهان امروز، دموکراسی و حقوق بشر اشاعه یافته و حاکم شده، بلکه ارزش‌هایی که پذیرش جهانی یافته‌اند، جهانی شده‌اند. برخی از تحلیلگران از جهانی شدن به این دلیل استقبال می‌کنند که آن را عاملی می‌دانند که انتقال قدرت و اصل اختیار تصمیم‌گیری فردی را تسهیل می‌کند و نیروی حاکم همواره در نزدیک‌ترین فاصله ممکن با شهروندان قرار می‌گیرد. هواداران نوآوری در شیوه‌های دموکراسی از شکل‌گیری جامعه مدنی به‌عنوان چندجانبه‌گرایی از پایین به بالا که رفاه عموم را دنبال می‌کند، حمایت کرده‌اند. به همین ترتیب تعدادی از نظریه‌پردازان سیاسی جهانی شدن را محرکی برای ظهور شیوه‌های جدید و مؤثر شهروندی تلقی کرده‌اند. تاریخ صد و پنجاه ساله ایران و خاورمیانه با اندیشه مدرن و توجه به ناسیونالیسم عجین است و در این جوامع تغییراتی فرهنگی بر نهادهای اجتماعی به بار آورده که این تغییر به نوعی بر اعتماد اجتماعی افراد تأثیرگذار گذاشته است. دو دیدگاه در ایران وجود دارد که یک دیدگاه معتقد است که وضعیتی که در ایران وجود دارد به‌خاطر جهانی شدن فرهنگ است و ما را به‌سوی غربی‌گرایی برده است. یک دیدگاه دیگر می‌گوید که هنوز ایران به‌سوی جهانی شدن فرهنگ و سیاست پیش نرفته است. لذا در این مطالعه میزان جهانی شدن زندگی فرهنگی و زندگی سیاسی در میان شهروندان تهرانی را می‌سنجیم و اینکه میزان اعتماد اجتماعی در میان شهروندان تهرانی چه اندازه است و جهانی شدن زندگی فرهنگی و سیاسی چه اندازه روی اعتماد اجتماعی شهروندان تأثیر دارد؟

در مورد ارتباط جهانی شدن زندگی فرهنگی و سیاسی و اعتماد اجتماعی تحقیقات قابل توجهی انجام نگرفته است. پژوهش‌های داخلی در چند سال اخیر جسته و گریخته به ابعاد هر یک از این دو مفهوم پرداخته‌اند. در پیشینه داخلی به چند اثر اشاره می‌شود.

نوابخش (۱۳۹۰)، در مقاله «جهانی شدن و بحران هویت جوانان»، به این نتیجه رسیده است که بین جهانی شدن و بحران هویت جوانان رابطه مستقیم و قوی وجود دارد و کاهش اهمیت عناصر هویت‌بخش به‌عنوان یکی از پیامدهای جهانی شدن نیز بر بحران هویت جوانان تأثیرگذار است. همچنین در پژوهش نوابخش فرهنگ مصرف‌گرایی از نوع غربی و استفاده از محصولات تولیدی غرب در دوره جهانی شدن رابطه مستقیم نسبتاً ضعیفی با بحران هویت جوانان از نتایج دیگر پژوهش او است. محسنی تبریزی و همکاران او در سال ۱۳۹۰ به «بررسی اعتماد اجتماعی با نگاهی نسلی به جامعه»، پرداخته‌اند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان می‌دهد که بین اعتماد اجتماعی نسل‌های سه‌گانه (نسل قبل از جنگ و انقلاب، نسل جنگ و انقلاب و نسل بعد از انقلاب و جنگ) تفاوت معناداری وجود دارد. بر اساس نتایج تحقیق اعتماد

مطالعه تأثیر جهانی شدن زندگی فرهنگی و سیاسی بر اعتماد اجتماعی شهروندان تهرانی

اجتماعی نسل‌ها از ارزیابی نسل‌ها از انسجام هنجاری و نهادی در جامعه و تجربه‌های نسلی متأثر می‌گردد.

شهرام‌نیا (۱۳۹۲)، در مقاله «تأثیر جهانی شدن بر دیپلماسی فرهنگی»، به این نتیجه رسیده است که فرهنگ جهانی، جهانی شدن و روابط بین‌المللی، به‌طور فزاینده‌ای در حال وابسته شدن به یکدیگرند. چرا که تسلط بر این سه، کشورها را برای قدرتمند شدن و تأثیر بر همکاری، صلح و همبستگی توانمند می‌سازد و این مهم با اتخاذ دیپلماسی فرهنگی در جریان روابط کشورها محقق خواهد گشت.

«رابطه جهانی شدن فرهنگی و ارزش‌های ازدواج در بین ساکنان شهر شیراز» کاری است که خواجه نوری و حسینی (۱۳۹۵) انجام داده‌اند، یافته‌های این پژوهش ضمن تأیید تأثیر جهانی شدن بر ارزش‌های ازدواج در بین پاسخگویان بیانگر آن است که مؤلفه‌های جهانی شدن فرهنگی، مؤلفه‌های (بازاندیشی و فناوری‌های نوین ارتباطی و داده‌ای) بیشترین تأثیر منفی را بر ارزش‌های ازدواج و به‌ویژه بعد نگرش به ازدواج داشته‌اند. اما رسانه‌های جمعی داخلی تأثیری مستقیم در این ارتباط نداشته‌اند. سهامی در سال (۱۳۹۵)، به «بررسی اثر جهانی شدن فرهنگی، سرمایه اجتماعی و فرهنگی بر ارزش‌های معطوف به توسعه در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی منطقه یک» پرداخته که نتایج نشان می‌دهد بین سرمایه اجتماعی و فرهنگی با ارزش‌های علم‌گرایی، رضایت زندگی، عام‌گرایی و اعتماد رابطه مستقیم معنی‌داری وجود ندارد. سرمایه اجتماعی و فرهنگی برای ارزش معطوف به توسعه پیش‌بینی‌کننده مثبت و معنی‌داری است. در حالی که جهانی شدن فرهنگی اثر منفی بر ارزش‌های توسعه مدار داشته است. محقق و کامران (۱۳۹۵)، تحت عنوان «جهانی شدن فرهنگ و سرمایه اجتماعی» به این نتایج رسیده‌اند که در بعد شناختی و آگاهی نسبت به ابعاد و رویکردهای جهانی شدن فرهنگ و سرمایه اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد و همچنین در بعد پذیرش در سطح خرد و سطح میانی رابطه معنادار و در سطح کلان فاقد ارتباط معناداری است. Pannilage upali (۲۰۱۷)، در مقاله «مقدمه‌ای بر دیدگاه تئوری جهانی شدن». به این نتیجه رسیده است که جهانی شدن فرایندی است که با اقدامات مداخله‌ای غرب برای گسترش اقتصاد سرمایه‌داری و همچنین فرهنگ سرمایه‌داری تسریع شده است. Kursunoglu (۲۰۰۹)، در مقاله «بررسی میزان اعتماد سازمانی معلمان بر اساس برخی متغیرهای علوم اجتماعی و رفتاری». به بررسی اعتماد به سازمان‌ها، بر اساس برخی متغیرهای زمینه‌ای در بین معلمان پرداخته است. نتایج این تحقیق نشان داده است که تفاوت زیادی در میزان اعتماد معلمان به سازمان‌ها، وجود دارد. مقاله Arab Naz (۲۰۱۱)، به‌عنوان «بحران‌های هویت جهانی شدن و اثرهای آن بر هویت اجتماعی - فرهنگی و روان‌شناختی»، نشان داده است که جهانی شدن موجب بحران‌های هویتی، روان‌شناختی، مذهبی، فرهنگی متنوعی در پاکستان شده است. بحران هویت از جمله امپریالیسم فرهنگی و پولوالیسم، تغییر ساختار اجتماعی سنتی، تشویق سکولاریزاسیون، کاهش همبستگی اجتماعی و ایجاد

پیچیدگی در روابط اجتماعی است. آخرین پیشینه مقاله Coposescu (۲۰۱۱)، تحت عنوان «تعریف هویت در شرایط جهانی شدن، مشکلات ساختاری هویت اجتماعی و فردی در عصر جهانی شدن» است که می‌افزاید برای فهمیدن تغییرات اجتماعی در سطوح محلی، ناحیه‌ای و جهانی، راهبرد جدیدی در تعریف و تفسیر جهانی شدن ضروری است.

در این قسمت به تبیین تأثیر جهانی شدن زندگی فرهنگی و زندگی سیاسی بر اعتماد اجتماعی با استفاده از نظریه‌های مختلف پرداخته می‌شود. در ابتدای امر به شرح نظریه‌های مطرح درخصوص جهانی شدن (فرهنگی و سیاسی) و سپس به شرح متغیر وابسته (اعتماد اجتماعی) مبادرت خواهد شد و در نهایت با استنباط از نظریه‌ها چارچوب نظری مطرح می‌گردد.

نظریه‌های جهانی شدن زندگی فرهنگی و سیاسی: مک لوهان^۱ از مهمترین نظریه‌پردازانی می‌باشد که نگاهی فرهنگی به جهانی شدن دارد. از نظر او، اصل تعیین کننده فرهنگ به نقش رسانه‌ها تعلق دارد. فرهنگ بیشتر از طریق رسانه‌ها منتقل می‌شود. از نظر او، رشد رسانه الکترونیک به موازات دیگر جنبه‌های ارتباطی، سبب شکل‌گیری ارتباطی جهانی شده است که موجب جهانی شدن فرهنگ می‌شود (شهرام‌نیا، ۱۳۸۶: ۷۱). از نظر نیکلاس لوهمان^۲، پیشرفت‌های فناوری ارتباطات باعث شکل‌گیری جامعه‌ی جهانی شده است (گل‌محمدی، ۱۳۸۰: ۳۱). طبق نظر گیدنز^۳ زندگی اجتماعی متشکل از تعاملات چهره به چهره و یا از راه دور است. استقرار فضای زمان و مکان، فرایندی را تعریف می‌کند که متابولیسم از راه دور به‌عنوان یکی از ویژگی‌های فزاینده‌ای از زندگی انسان تبدیل شده است و از طریق آن سیستم‌های اجتماعی که قبلاً متمایز بوده‌اند متصل و وابسته شده‌اند (Apali, 2017: 6). از بعد فرهنگی، جهانی شدن بیشتر ناظر بر فشردگی زمان و مکان و پیدایش شرایط جدید برای جامعه جهانی و جهانی شدن فرهنگ است. این بعد از جهانی شدن بر اقتصاد و سیاست تفوق دارد. مبانی تحلیل طرفداران فرهنگ جهانی، بر این اصل مبتنی است که رشد فزاینده فناوری وسایل ارتباط جمعی، اینترنت، ماهواره، موجب فشردگی زمان - مکان و نزدیکی فرهنگ کشورها شده است و از این طریق یک فرهنگ مسلط در جهان تشکیل داده است (محقق‌ی و کامران، ۱۳۹۵: ۱۷۶). گیدنز بر جنبه فرهنگی فرایند جهانی شدن تأکید می‌کند و آن را فراتر از شکل‌گیری نظام جهانی می‌داند به نظر او برای درک درست جهانی شدن باید به نحوه گسست از جامعه سنتی و گذر به جامعه مدرن پی برد. گیدنز ابزار دست‌یابی به چنین درکی را توجه به جایگاه فضا و زمان و فرایند تحول آن‌ها می‌داند. گیدنز از دو مکانیسم صحبت می‌کند و آن‌ها را شناسایی می‌نماید، نشانه‌های نمادین و نظام‌های تخصصی. نشانه‌های نمادین ابزارها یا واسطه‌های

1- McLuhan

2- Nicholas Luhman

3- Giddens

مبادله هستند. بنابراین در حوزه‌های بسیار گسترده و انواعی از جوامع و بسترها می‌توان آن‌ها را مبادله کرد. بارزترین و قدیمی‌ترین نمونه چنین نشانه‌هایی پول است، که زمان و فضا را در گستره نامتناهی به یکدیگر نزدیک و ترکیب می‌کند، چرا که ابزار اعتبار است و ارزش استاندارد آن امکان مبادله میان شمار زیادی از افراد را ممکن می‌سازد که هرگز یکدیگر را ندیده‌اند. نظام‌های تخصصی نیز به واسطه رواج دادن انواع دانش فنی دارای اعتباری مستقل از کاربرها و بهره‌مندان آن‌ها، زمان و فضا را پیوند می‌زند. چنین دانش‌هایی همه جنبه‌های زندگی اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهند و در بسترهای بسیار گسترده قابلیت کاربرد دارند، مانند دانش پزشکی و فنی. گیدنز این دومکانیسم را نظام‌های انتزاعی می‌نامد، که به هیچ روی مکانمند نیستند. کاربرد نظام‌های انتزاعی اساساً نیازمند اعتماد هستند. گرچه جدایی زمان و فضا و فرایند بی‌بستر شدن کنش‌ها و روابط اجتماعی، گستره چنین کنش‌ها و روابطی را بسیار فراخ‌تر ساخته، اعتماد کردن به نظام‌های بی‌مکان و غیرشخصی را هم گریزناپذیر کرده است. امروزه کسی نمی‌تواند تصمیم به کناره‌گیری از تحولات جهانی بگیرد. مثلاً نسبت به خطرات احتمالی یک جنگ هسته‌ای بی‌تفاوت بماند. هر رویداد یا تحول محلی می‌تواند بازتاب‌ها و تأثیراتی جهانی داشته باشد. از این دیدگاه میزان جدایی فضا و زمان چنان زیاد است که برای نخستین بار در تاریخ بشر، فرد و جامعه در بستر و محیط جهانی به هم مرتبط شده‌اند (گیدنز، ۱۳۷۷: ۲۰). نظریه‌پردازان کارکردگرایان آمریکایی نوسازی را عامل ادغام‌گرا و همگون‌ساز می‌دانند. از دیدگاه آنان فرایند نوسازی با افزایش و گسترش انفکاک در حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی، آداب و رسوم و ارزش‌های خاص و سنتی را تضعیف و فردگرایی، یونیورسالیسم، سکولاریسم و عقلانیت را تقویت می‌کند. بنابراین انتخاب‌های عقلانی بیش از پیش رواج می‌یابد و جوامع مختلف در نتیجه انتخاب‌های عقلانی اعضای خود، به سوی وضع اجتماعی مشترکی پیش رفته، به یکدیگر نزدیک‌تر می‌شوند (گل‌محمدی، ۱۳۸۰: ۲۹). هانرز^۱ طرفدار جهانی شدن است، در نگاه به آینده، چهار سناریو را در زمینه یگانه‌سازی فرهنگی صورت‌بندی می‌کند که عبارتند از: سناریوی همگن‌سازی فرهنگی که بازگوی غلبه کامل فرهنگ غربی مشتمل بر سبک زندگی، الگوی مصرف، ارزش‌ها و هنجارهای غربی است. این فرایند از طریق وجود کالاهای مشابه در خیابان‌ها، وجود منوهای مشابه در رستوران‌ها، نمایش فیلم‌های مشابه در تلویزیون‌ها محقق می‌شود. سناریوی دوم که جلوه ویژه‌ای از فرآیند قبلی است، سناریوی اشباع نامیده شده است که در آن بر بعد زمان تأکید گذاشته شده است. بر طبق این سناریو پیرامون به آهستگی و به تدریج الگوهای فرهنگی مرکز را جلب کرده و از آن اشباع می‌شود و به این ترتیب در طولانی‌مدت و طی چند سال دیگر از معانی محلی، شکل‌های فرهنگی و احساسات قومی و فرهنگی هیچ نشانی باقی نخواهد ماند. سناریوی

1- Hanners

سوم، سناریوی فساد پیرامونی نام گرفته که بازگویی انحطاط و تحریف فرهنگ غربی در جریان اقتباس و انطباق توسط پیرامون است. و بالاخره نوع چهارم که، سناریوی بلوغ خوانده شده و بازگویی مبادله و گفت‌وگوی برابرتر میان فرهنگ‌هاست که در آن اقتباس فرهنگی به‌جای یک‌طرفه بودن و دریافت‌کور توسط پیرامون در فرایندی از انطباق‌های متقابل و تبادل‌های دوسویه صورت می‌پذیرد (زاهدی، ۱۳۸۲: ۳۳۸). آدورنو و هورکهایمر^۱ معتقدند رسانه‌های جدید در ساختن جامعه و فرهنگ جدید، تصور از زندگی و امکان دست‌یابی به جهان معاصر به‌طور مجازی مؤثر می‌باشند (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶: ۷۱). مالکوم واترز^۲ در کتاب جهانی‌شدن اشاره می‌کند که در اغلب بررسی‌های نظری، آثار جهانی‌شدن در سه عرصه زندگی اجتماعی مهم و اساسی تلقی شده‌اند عبارتند از: ۱- عرصه اقتصادی، مشتمل بر نظام‌های اجتماعی خاص تولید، مبادله، توزیع و مصرف کالاها و خدمات مادی. ۲- عرصه سیاست و حکومت، مشتمل بر نظام‌های اجتماعی مخصوص تمرکز و اعمال قدرت به‌ویژه در مبادله سازمان یافته مبتنی بر اعمال فشار و نظارت، از طریق نیروی نظامی، پلیس و نظایر آن و نیز نهادینه شدن، این اقدامات در قالب اقتدار سیاسی دیپلماسی به تثبیت کنترل بر جمعیت و سرزمین منجر می‌شود. ۳- عرصه فرهنگ، مشتمل بر نظام‌های اجتماعی خاص تولید، مبادله و نمادهایی که گویای واقعیت‌ها، احساسات، مفاهیم، اعتقادات، الویت‌ها، ذوق‌ها و سلیقه‌ها است (همان: ۳۴۲). اسکلیپر معتقد است، افزایش و گسترش روابط و کنش‌های فراملی در گستره جهانی باعث جهانی‌شدن سیاست شده است (گل‌محمدی، ۱۳۸۰: ۵۱). موافقین دیدگاه جهانی‌شدن فرهنگ پیامدهای جهانی‌شدن را توسعه در تمامی ابعاد و وجوه، از میان رفتن فقر، بیکاری، تعمیق و گسترش مفاهیم دموکراسی، حقوق بشر، حقوق مدنی، تحکیم موقعیت نظام ارتباط جمعی در جهان، رفاه اقتصادی، آزادی سیاسی و برابری اجتماعی ذکر می‌کنند (کاووسی، ۱۳۹۳: ۱۵۴).

نظریه اعتماد اجتماعی: از نظر اینگلههارت^۳، اعتماد اجتماعی واقعیتی اجتماعی - فرهنگی است که ریشه در زمینه‌ها و تجارب اجتماعی تاریخی یک جامعه دارد. زمانی که در یک جامعه فرهنگ اعتماد ظهور می‌یابد و در نظام هنجاری جامعه ریشه می‌دواند، به اصل توانمندی تبدیل می‌شود که آثار و کارکردهای زیادی را در سطوح مختلف از خود به‌جای می‌گذارد. اعتماد به یکدیگر بخشی از نشانگان فرهنگی پایدار است که به بقای دموکراسی منجر می‌شود. رضایت از زندگی، رضایت اجتماعی، فضای باز ارتباطات اجتماعی، حمایت از نظم اجتماعی و در نهایت اعتماد به یکدیگر همگی به هم وابسته بوده و نشانه‌های نگرش مثبت نسبت به جهانی که شخص در آن زندگی می‌کند را تشکیل می‌دهند (مولایی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۱۱). اعتماد از نظر پاتنام^۴ عناصر ضروری برای تقویت همکاری بوده است و حاصل

1- Adorno and Horkheimer

2- Malcolm Waters

3- Inglehart

4- Putnam

پیش‌بینی‌پذیری رفتار دیگران است که در یک جامعه کوچک از طریق آشنایی نزدیکان با دیگران حاصل می‌شود. اما در جوامع بزرگتر و پیچیده‌تر یک اعتماد غیرشخصی‌تر یا شکل غیرمستقیمی از اعتماد ضرورت می‌یابد. پاتنام در بحث از اعتماد با توجه به شعاع اعتماد به دو نوع اعتماد شخصی و اعتماد اجتماعی اشاره دارد و نوع دوم را که در ادبیات سرمایه اجتماعی بعضاً اعتماد تعمیم‌یافته نیز نامیده می‌شود، سودمندتر برای جامعه می‌داند. به نظر وی این نوع اعتماد شعاع اعتماد را در فهرست کسانی که شخصاً می‌شناسیم فراتر می‌برد و همکاری گسترده‌تر در سطح جامعه را موجب می‌گردد. پاتنام افزایش مشارکت‌های مدنی و گسترش شبکه‌های اجتماعی را از سازوکارهای تبدیل اعتماد شخصی یا خاص به اعتماد اجتماعی یا تعمیم‌یافته معرفی می‌کند. از نظر پاتنام اعتماد اجتماعی به همان اندازه که یک نگرش شخصی است یک دارای ضروری نظام اجتماعی نیز به‌شمار می‌رود. (فیلد، ۱۳۸۶: ۶۰-۶۱).

نظریه‌های تلفیقی جهانی‌شدن و اعتماد اجتماعی: به نظر زیمل^۱ کاهش اعتماد، دوری انسان‌ها از یکدیگر و از هم‌گسیختگی فرهنگی و کاهش حمایت اجتماعی یعنی پیوندهای عاطفی میان افراد، جوهر زندگی مدرن است و در جوامع جهانی اتفاق می‌افتد. زیمل در مورد جهانی‌شدن و حتی زندگی کلان‌شهری می‌گوید، به دلیل روابط ناپایدار و غیرساختی که در تجددگرایی زندگی شهری وجود دارد و جزئی مهم از زندگی به‌شمار می‌آید اعتماد اجتماعی به حداقل خود کاهش می‌یابد و به تعبیر زیمل این حق بی‌اعتمادی در زندگی شهری الزامی است. این دو عامل باعث می‌شود تا انسان کلان‌شهری در برخورد‌های اجتماعی و تعاملی خود احتیاط کند. مراد زیمل از احتیاط، دور نگه داشتن خود از دیگران، بی‌اعتنایی به آن‌ها و محدود نگه داشتن رابطه اجتماع با تعداد محدودی از افراد که محدود‌شدن و به سوئی تنهایی رفتن را در پی دارد. به نظر زیمل زمانی که روابط اجتماعی بعد مذهبی و سنتی خود را از دست دهند ملاک‌های غیرشخصی از قبیل قانون، منطق، اندیشه و پول بر اینها حاکم می‌شود. کاربرد این ملاک‌ها، آزادی فردی و عدالت اجتماعی را افزایش می‌دهد و در عین حال ابعاد عاطفی و احساسی حیات اجتماعی کاهش می‌یابد. پاتنام معتقد است، تعهد اجتماعی در شهرهای کوچک و نواحی روستایی هم کاهش یافته است. او تحرک شهری و پراکنده‌نشینی را هم مانند فشارهای زمان و پول، یک عامل فرعی می‌داند. وی نتیجه‌گیری می‌کند که دو دلیل اصلی برای این مسأله، یکی سرگرمی‌های الکترونیکی خانگی و مهمتر از همه تلویزیون و دیگری تغییر نسلی است. داده‌های پاتنام این‌طور نشان می‌دهند که کسانی که خیلی تلویزیون تماشا می‌کنند، از زندگی مدنی بیرون افتاده‌اند و زمان کمی را با دوستان و یا حتی خانواده می‌گذرانند که این مسأله در مورد خانواده رو به افزایش است. تغییر نسل یا سبک زندگی از نظر پاتنام از عوامل فرسایش یا زوال اعتماد است. در آثار فوکویاما اعتماد عامل پویایی

1- Simmel

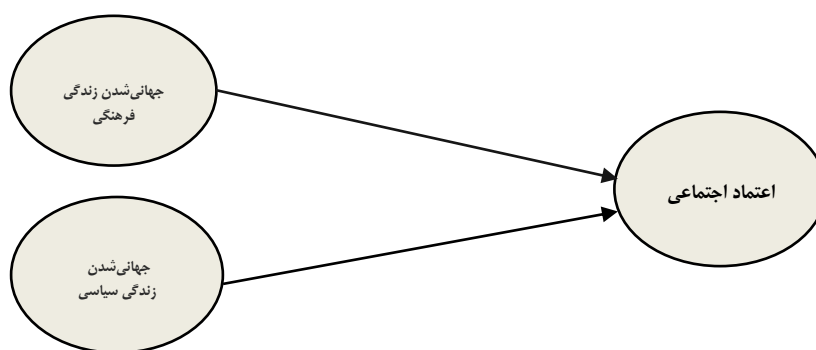
اصلی محل کار است و اعتماد را یک ویژگی نظام اجتماعی می‌داند. به نظر او اعتماد انتظاری است که از درون اجتماع برمی‌خیزد که در آن صداقت و رفتار و روحیه تعاون و همکاری مبتنی بر هنجارهای مشترک و عمومی شکل گرفته باشد. این رفتارها نیاز به قانون و تنظیمات در روابط ندارد، بلکه وجدان اخلاقی مبنای اعتماد متقابل اعضای گروه است (فیلد، ۱۳۸۶: ۶۰-۶۱). فوکویاما^۱ معتقد است اگر افراد پیوسته با یکدیگر در کنش متقابل باشند در نتیجه این تکرار به سطحی از درست کاری و اعتماد دست می‌یابند. هرگاه دایره اعتماد، محدود به دوستان و خانواده باشد، در بنیان‌های فرهنگی فساد ایجاد می‌شود. چون نظام اخلاقی دوگانه‌ای به وجود می‌آید. رفتار خوب با دوستان و خانواده و رفتاری نه‌چندان مطلوب با عموم و غریبه‌ها، به نظر می‌رسد در ایران چنین وضعیتی حکمفرماست (گیدنز، ۱۳۸۴: ۸۶). گیدنز در مباحث خود از سه نوع اعتماد بنیادی، شخصی و انتزاعی نام می‌برد. به گفته وی در جوامع مدرن تحت تسلط نظام‌های انتزاعی، اعتماد بسیار مهم است. از نظر وی نیاز به اعتماد با فاصله‌گیری روابط زمانی و مکانی افراد در ارتباط است. به عبارتی ما در مورد کسانی که پیوسته در معرض دیدمان هستند و فعالیتشان را می‌توان مستقیماً مورد بازنگری قرار داد نیاز به اعتماد نداریم. اعتماد هنگامی ضروری می‌شود که در نتیجه فاصله‌گیری زمانی و مکانی اطلاع کاملی از پدیده‌های اجتماعی نداشته باشیم. چهار زمینه محلی اعتماد در فرهنگ‌های پیش‌مدرن رواج داشت هرچند هر یک از آن‌ها مطابق با نظم اجتماعی خاصی بوده و تنوعات بسیاری را دربر می‌گرفتند. اولین زمینه اعتماد نظام خویشاوندی است که در اکثر وضعیت‌های پیش‌مدرن شیوه نسبتاً پایداری برای سازماندهی رشته‌های روابط اجتماعی در طول زمان و مکان فراهم می‌کرد. دومین عامل اجتماعات محلی هستند که در اکثریت وسیعی از محیط‌های پیش‌مدرن از جمله در اکثر شهرها، محیط محلی جایگاه خوشه‌هایی از روابط هم‌بافته اجتماعی بود که گستره مکانی ناچیزشان مایه ثبات زمانی آن‌ها می‌شد. سومین عامل به جهان‌بینی مربوط می‌شود. دین یکی از ابزارهای سازمان‌دهنده اعتماد است. چهارمین زمینه اصلی روابط مبتنی بر اعتماد در فرهنگ‌های پیش‌مدرن خود سنت است. سنت منعکس‌کننده شیوه متمایز ساخت دادن به زمان‌بندی است. از دیدگاه گیدنز، اعتماد در نظام‌های پیش از مدرن از نوع پایبندی چهره‌دار و مبتنی بر هم‌حضور بوده است. در حالی که در مدرنیته و جهان مدرن امری وضعیت این چنین نیست. اعتماد غیرشخصی به دیگران ناشناس ناشی از ماهیت رشد‌یافته نظام‌های انتزاعی می‌باشد (ریتزر، ۱۳۷۷: ۷۶۸). بنابراین گیدنز معتقد است که در عصر تجدد کنونی، نفوذ و تأثیر رویدادهای دور دست بر رخداد‌های نزدیک‌تر و هم‌چنین بر خصوصی‌ترین، بیش از پیش به صورت پدیده‌ای رایج و متعارف درمی‌آید.

1- Fukuyama

با توجه به نظریه‌هایی که مطرح گردید از هر نظریه‌پرداز، گزاره‌ها و مفروضات مرتبطی استنباط می‌شود که در جمع‌بندی زیر منعکس شده است.

جهانی شدن زندگی فرهنگی: مک لوهان، از منظر فرهنگی به فرایند جهانی شدن می‌نگرد و گسترش رسانه‌های الکترونیک را موجب شکل‌گیری جهانی شدن فرهنگ می‌داند. نیکلاس لوهمان، از منظر جامعه‌شناختی به فرایند جهانی شدن می‌نگرد و پیشرفت‌های فناوری ارتباطات را باعث شکل‌گیری جامعه جهانی می‌داند. دانیل بل، تشدید و گسترش اطلاعات و فن‌آوری را از فرایندهای جهانی شدن می‌داند. گیدنز، بر جنبه‌های فرهنگی جهانی شدن تأکید می‌کند. از نظر او فرایند جهانی شدن فناوری اطلاعات، روابط اجتماعی را در سطح جهانی تشدید کرده است. این فرایند به فشردگی پدیدارشناسانه زمان و مکان که نتیجه بکارگیری فناوری‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطی است منجر شده است. هاننرز، معتقد است جهانی شدن فرهنگ بر سبک زندگی، الگوی مصرف، ارزش‌ها و هنجارها تأثیر دارد. کارکردگرایان آمریکایی، معتقدند که افزایش نوسازی باعث تضعیف در حوزه‌های زندگی اجتماعی، آداب و رسوم و ارزش‌های خاص و افزایش فردگرایی، سکولاریسم می‌شود. آدورنو و هورکهایمر، به وسیله رسانه‌های جدید دست‌یابی به جهان معاصر به‌طور مجازی مؤثر می‌باشند (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶: ۷۱). جهانی شدن زندگی سیاسی: اسکیر^۱، افزایش و گسترش روابط و کنش‌های فراملی در گستره جهانی باعث جهانی شدن سیاست شده است. گیدنز: افزایش جهانی شدن فناوری بر روابط اجتماعی در سطح جهانی تأثیر دارد. جهانی شدن زندگی فرهنگی، سیاسی و اعتماد اجتماعی: با استنباط از نظریه زیمل، هرچه جهانی شدن زندگی افزایش یابد، اعتماد اجتماعی کاهش می‌یابد. با استنباط از نظریه پاتنام، هرچه جهانی شدن زندگی فرهنگی (سبک زندگی، ارتباطات) افزایش یابد، اعتماد اجتماعی کاهش می‌یابد. با استنباط از نظریه فوکویاما با افزایش فردگرایی میزان اعتماد اجتماعی کاهش می‌یابد. با استنباط از نظریه گیدنز هرچه در جامعه جهانی شدن زندگی فرهنگی و سیاسی افزایش یابد پس اعتماد اجتماعی کاهش می‌یابد.

فرضیه اصلی: به نظر می‌رسد جهانی شدن زندگی فرهنگی و سیاسی شهروندان تهرانی بر اعتماد اجتماعی آنان تأثیر داشته است. فرضیه‌های فرعی: به نظر می‌رسد هرچه زندگی شهروندان از نظر فرهنگی پیش‌تر جهانی شود، اعتماد اجتماعی افراد کاهش می‌یابد. به نظر می‌رسد هرچه زندگی شهروندان از نظر سیاسی پیش‌تر جهانی شود، اعتماد اجتماعی افراد کاهش می‌یابد. براساس استنباط‌های نظری ارتباط همبستگی و علی میان مفاهیم و متغیرهای پژوهش در قالب اشکال هندسی با عنوان مدل ارائه می‌گردد.



نمودار (۱): مدل نظری پژوهشی

روش

روش مورد استفاده در این تحقیق از نوع پیمایشی و تکنیک جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه بوده است. جامعه آماری شامل شهروندان تهرانی ساکن در منطقه ۱، ۷، ۱۷ تهران می‌باشند. حجم نمونه ۳۰۰ نفر است که به‌وسیله فرمول کوکران برآورد شده است. شیوه نمونه‌گیری تحقیق، نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای و واحد تحلیل نیز فرد است. برای بدست آوردن میزان روایی سؤالات پرسشنامه از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شده است که میزان آلفای اعتماد اجتماعی ۰/۸۴ درصد، جهانی شدن زندگی فرهنگی ۰/۸۱ درصد و جهانی شدن زندگی سیاسی ۰/۸۳ درصد شده است. همچنین اعتبار صوری با مراجعه به داوران و کارشناسان بدست آمده است. در تجزیه و تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون و تحلیل مسیر استفاده گردیده است.

تعریف نظری و عملیاتی سازی متغیرها؛

اعتماد اجتماعی:

تعریف نظری: ورچل (۱۹۷۹) اعتماد را به‌عنوان باور، انتظار یا احساسی عمیق که در شخصیت فرد ریشه دارد و توأم با رشد اولیه روان‌شناختی افراد است تعریف می‌کند. فرهنگ آکسفورد، اعتماد را به‌عنوان باوری که فرد ممکن است به آن تکیه کند تعریف می‌کند (زارعی و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۵).

تعریف عملیاتی: اعتماد در قالب سه سنجه مورد بررسی است. ۱- میزان اعتماد غیررسمی یا اعتماد شخصی، شامل اعضای خانواده، دوستان، خویشان و همسایگان می‌شود. ۲- میزان اعتماد رسمی یا کلان شامل، نهادها، سازمان‌ها پزشکان، دادگستری و غیره ۳- میزان اعتماد تعمیم‌یافته شامل، غریبه‌ها و سایر افرادی که با آن‌ها سابقه آشنایی ندارد می‌شود.

جهانی شدن زندگی فرهنگی:

تعریف نظری: جهانی شدن فرهنگ یعنی همه ملت‌های جهان دارای فرهنگ خاص شوند که با همه فرهنگ‌های محلی، ملی، و قاره‌ای موجود متفاوت می‌باشد. فرهنگی که در آن زبان، سنن، تمایلات، ارزش‌ها و شیوه‌های پر کردن اوقات فراغت برای همه مردم جهان یکسان باشد و به موازات گسترش آن فرهنگ‌های بومی تضعیف شود و به تدریج رو به زوال رود. بر این اساس، جهانی شدن فرهنگ را می‌توان در برگیرنده فرآیندها و عواملی دانست که هرگونه محدودیت فرهنگی را در زندگی اجتماعی تعدیل می‌کنند یا از بین می‌برند. به بیان دیگر، جهانی شدن فرهنگی عبارت است از شکل‌گیری و گسترش فرهنگی خاص در عرصه جهانی. این فرایند موجی از همگونی فرهنگی را در جهان پدید می‌آورد و همه خاص‌های فرهنگی را به چالش می‌کشد (حافظ‌نیا، ۱۳۹۲: ۱۶۵).

تعریف عملیاتی: جهانی شدن زندگی فرهنگی دارای دو مؤلفه می‌باشد: شیوه زندگی جدید (نحوه گذران اوقات فراغت، میزان تمایل به جهانی شدن ارزش‌ها و باورها، میزان تمایل به مدیریت بدن، میزان اعتقاد به سکولاریزاسیون) و فناوری جدید اطلاعات و ارتباطات (میزان ساعات استفاده از اینترنت (چت، پست الکترونیک، فیس بوک یا شبکه‌های اجتماعی)، میزان ساعت استفاده از موبایل (تماس گرفتن، پیامک زدن)، میزان ساعت استفاده از (ماهواره، میزان استفاده از تلفن‌بانک، اینترنت بانک) سنجیده می‌شود.

جهانی شدن زندگی سیاسی:

تعریف نظری: این بعد از جهانی شدن موجب می‌شود که افراد و گروه‌های قدرتمند شده، بتوانند به‌عنوان گروه‌های ذینفوذ بر روی دولت‌ها تأثیر گذارند و آن‌ها را تحت تأثیر تصمیمات، برنامه‌ها و خواسته‌های خود قرار دهند. جهانی شدن در عرصه سیاسی، موجب ارتقاء دموکراسی و رشد فرهنگ سیاسی و نگرش‌های مدنی می‌شود. به علاوه تغییر در شیوه‌های سنتی و ایستای نگرش‌های سیاسی ساختار متمرکز قدرت و بینش معطوف به اقتدار یک‌سویه و جایگزین شدن تفکر و آزادی انتخاب در قالب مدل توسعه‌ی سیاسی و جامعه مدنی، موجب استقرار قدرت و بینش چندسویه فرهنگ سیاسی مبتنی بر آزادی خواهی انتخاب محور، توسعه‌گرا و تجویزات عقلانی از دیگر دستاوردهای جهانی شدن در بعد سیاسی محسوب می‌شود (میرمحمدی، ۱۳۸۱: ۶۶).

تعریف عملیاتی: جهانی شدن زندگی سیاسی: میزان گرایش به آزادی اجتماعات و اعتصابات، میزان گرایش به آزادی بیان، میزان گرایش به دموکراسی در جامعه، میزان گرایش به آزادی مذهب، میزان گرایش به آزادی عقیده این متغیر را می‌سنجد.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی؛ در این قسمت ابتدا به توصیفی از نمونه مورد بررسی بر اساس متغیرهای زمینه‌ای از جمله جنس، سن، میزان تحصیلات و وضعیت تأهل پرداخته می‌شود، سپس متغیر وابسته و متغیرهای مستقل توصیف می‌شود. بعد از آن همبستگی میان متغیرها با ضریب همبستگی پیرسون مورد آزمون قرار می‌گیرد و در نهایت با انجام تحلیل رگرسیون چندمتغیره سهم هر یک از متغیرهای مستقل در تبیین واریانس متغیر وابسته بررسی شده و تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم آن‌ها بر متغیر وابسته با تکنیک تحلیل مسیر نمایان می‌شود.

متغیرهای زمینه‌ای پژوهش: از ۳۰۰ پاسخگو ۱۵۷ نفر (۳/۵۲ درصد) زن و ۱۴۳ نفر (۷/۴۷ درصد) افراد حجم نمونه مرد بودند، یعنی حدوداً نیمی از پاسخگویان مرد و نیمی از آنان زن بوده‌اند. افراد مجرد ۱۱۸ نفر (۳/۳۹ درصد) و ۱۸۱ نفر (۳/۶۰ درصد) متأهل می‌باشند. میانگین سنی پاسخگویان ۳۴ سال بدست آمده است. بالاترین درصد افرادی هستند که در فاصله‌ی سنی ۲۰-۳۰ سال قرار دارند. کمترین درصد در بالاترین گروه سنی یعنی ۶۴-۷۵ سال هستند. پاسخگویان دارای تحصیلات دیپلم به بالا می‌باشند.

متغیرهای اصلی پژوهش: متغیر وابسته تحقیق یعنی اعتماد اجتماعی از طریق ۱۲ گویه در سطح شبه فاصله‌ای، مورد سنجش قرار گرفته است. میانگین اعتماد اجتماعی پاسخگویان ۹/۵۶ از عدد ۱۰۴ به دست آمده و با استفاده از حداقل و حداکثر، داده‌ها را به رتبه‌ای تبدیل کرده‌ایم و طبق داده‌های تحقیق از ۳۰۰ پاسخگو که به تمام گویه‌های مربوط به اعتماد پاسخ داده‌اند، ۱۶۵ نفر (۵۵ درصد) دارای میزان اعتماد متوسط، ۷۵ نفر (۲۵ درصد) میزان اعتماد بالا و ۶۰ نفر (۲۰ درصد) دارای میزان اعتماد پایین بوده‌اند. میزان اعتماد اجتماعی پاسخگویان در حد متوسط بوده است. اعتماد افراد به مدارس بیشترین میانگین (۴۱/۶) و اعتماد به غریبه‌ها از کمترین میانگین (۴۱/۲) برخوردار بوده است. یکی از متغیرهای مستقل جهانی‌شدن زندگی فرهنگی است، این متغیر از طریق ۳۱ گویه در سطح شبه فاصله‌ای مورد سنجش قرار گرفته است. میانگین بعد فرهنگی ۳/۱۳۱ به دست آمده و حداقل پاسخ به سؤال ۳۰ و حداکثر ۲۴۰ بوده است و از ۱۹۱ نفر (۷/۶۳ درصد) از شهروندان تهرانی از نظر میزان جهانی‌شدن فرهنگ در سطح متوسط، ۶۵ نفر (۷/۲۱ درصد) در سطح پایین و ۴۴ نفر (۷/۱۴ درصد) در سطح بالایی بوده‌اند. در این تحقیق شهروندان تهرانی از نظر بعد فرهنگی در حد متوسط می‌باشند. مؤلفه‌های میزان استفاده از موبایل (پیامک زدن، تماس گرفتن) دارای بیشترین میانگین (۳۸/۸) و میزان توکل به خدا در امور اجتماعی از کمترین میانگین (۶۲/۰) برخوردار بوده‌اند. جهانی‌شدن زندگی سیاسی دومین متغیر مستقل بوده است. این متغیر از طریق ۶ گویه در سطح شبه فاصله‌ای مورد سنجش قرار گرفته است. میانگین جهانی‌شدن سیاست ۵/۴۱ بدست آمده و حداقل پاسخ به سؤال ۳ و حداکثر ۶۰ بوده است. طبق داده‌های تحقیق از

مطالعه تأثیر جهانی شدن زندگی فرهنگی و سیاسی بر اعتماد اجتماعی شهروندان تهرانی

۳۰۰ پاسخگو که به تمام گویه‌های مربوط به جهانی شدن سیاست پاسخ داده‌اند، ۱۵۵ نفر (۷/۵۱ درصد) از نظر میزان جهانی شدن سیاست در سطح بالا، ۱۳۲ نفر (۴۴ درصد) در سطح متوسط و ۱۳ نفر (۳/۴ درصد) در سطح پایین بوده‌اند. شهروندان تهرانی از نظر جهانی شدن سیاست در حد بالا قرار دارند. مؤلفه‌های آزادی بیان و قلم دارای بیشترین میانگین (۵۰/۸) و دموکراسی دارای کم‌ترین میانگین (۹۷/۵) بوده‌اند.

جدول (۱): درصد نتایج سنجش متغیرهای تحقیق

متغیرها	کم	متوسط	زیاد	نتیجه
اعتماد اجتماعی	۰/۲۰	۰/۵۵	۰/۲۵	متوسط
جهانی شدن فرهنگ	۷/۲۱	۷/۶۳	۷/۱۴	متوسط
جهانی شدن سیاست	۳/۴	۰/۴۴	۷/۵۱	زیاد

یافته‌های تحلیلی و استنباطی؛

- ۱- همبستگی جهانی شدن زندگی فرهنگی با اعتماد اجتماعی: آزمون ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که از نظر گیدنز، دورکیم، ریتزر، زیمل جهانی شدن زندگی فرهنگی باعث می‌شود که اعتماد اجتماعی کاهش یابد و یا به عبارتی رابطه جهانی شدن زندگی فرهنگی و اعتماد اجتماعی معنادار می‌باشد. اما بر خلاف نظر آن‌ها جهت رابطه مثبت و مستقیم است و شدت رابطه در حد متوسط است.
- ۲- همبستگی جهانی شدن زندگی سیاسی با اعتماد اجتماعی: آزمون ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که بین دومتغیر جهانی شدن زندگی سیاسی و اعتماد اجتماعی ارتباطی وجود ندارد.

جدول (۲): ضریب همبستگی پیرسون

متغیرها	جهانی شدن زندگی فرهنگی	جهانی شدن زندگی سیاسی
اعتماد اجتماعی	بیرسون r ۰/۱۷	۰/۰۰
	سطح معناداری sig	۰/۹۴

- ۳- تأثیر جهانی شدن زندگی فرهنگی و سیاسی بر اعتماد اجتماعی
در این قسمت اعتماد اجتماعی را به عنوان متغیر وابسته و جهانی شدن زندگی فرهنگی و سیاسی را به عنوان متغیرهای مستقل قرار داده‌ایم و تأثیرات مستقیم مورد سنجش قرار گرفته است.

جدول (۳): مدل رگرسیون پیش‌بینی شده

مدل	ضریب همبستگی آر	ضریب تبیین آر. اسکونو	ضریب تبیین تعدیل یافته	خطای معیار
enter	۰/۱۸	۰/۰۳	۰/۰۲	۲۰/۳

میزان ضریب تبیین به دست آمده برابر است با $R^2 = 0/03$ و نشان می‌دهد که خط رگرسیون به میزان $0/03$ درصد توانایی تبیین پراکندگی‌های متغیر وابسته بر اساس تغییرات متغیر مستقل را دارد و در اینجا این میزان ضعیف می‌باشد و قدرت بالایی را نشان نمی‌دهد و با توجه به جدول Anova در فاصله ۹۵ درصد سطح معناداری برابر است با $sig = 0/03$ و چون میزان آن از $0/03$ درصد کمتر است بنابراین خط رگرسیون توانایی تبیین پراکندگی‌های متغیر وابسته بر حسب تغییرات متغیرهای مستقل را دارد. جهانی شدن زندگی فرهنگی بیشترین تأثیر را بر اعتماد اجتماعی دارد.

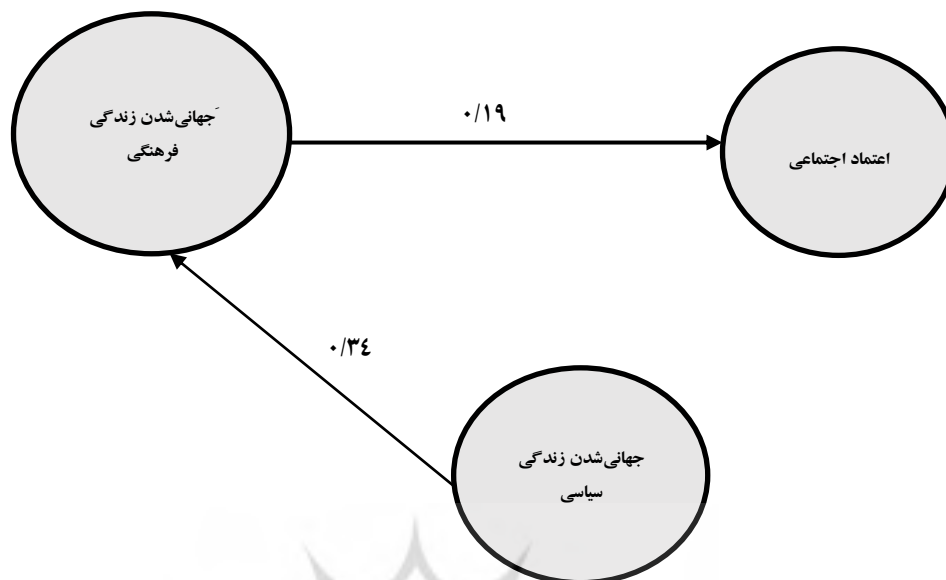
جدول (۴): نتایج آزمون Anova

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	Df	میانگین مجذورات	تحلیل واریانس f	سطح معناداری sig
تغییرات بین گروهی	۴۱۴۲	۲	۲۰۷۱	۵/۰۲	۰/۰۰
تغییرات درون گروهی	۱۲۲۵۳۰/۹	۲۹۷	۴۱۲/۵۶		
جمع	۱۲۶۶۷۲/۹	۲۹۹			

جدول (۵): ضرایب رگرسیون مرتبط با مدل پیش بینی شده

منبع تغییرات	جدول ضرایب		
	ضرایب استاندارد شده B	ضرایب استاندارد شده بتا	T
مقادیر	(عدد ثابت a)		۹/۴۰
جهانی شدن زندگی فرهنگ	۴۷/۵۹	۰/۱۹	۳/۱۶
	(عدد مستقل b)		
جهانی شدن زندگی سیاسی	-۰/۱۰۵	-۰/۰۶	-۱/۰۱

آزمون تحلیل مسیر به ما نشان می‌دهد که فقط جهانی شدن زندگی فرهنگی بر اعتماد اجتماعی تأثیر مستقیم دارد و جهانی شدن زندگی سیاسی، بر اعتماد اجتماعی تأثیر غیرمستقیم داشته است. جهانی شدن زندگی فرهنگی با بتای (۰/۱۹) به صورت مستقیم و متغیر جهانی شدن زندگی سیاسی (۰/۳۴) نیز به صورت غیرمستقیم بر میزان اعتماد اجتماعی تأثیرگذار می‌باشند. یعنی در کل می‌توان گفت که ربط علی بین جهانی شدن زندگی فرهنگی و سیاسی و اعتماد اجتماعی ضعیف می‌باشد.



شکل (۱): مدل تبیین تجربی تأثیر جهانی شدن زندگی فرهنگی و سیاسی بر اعتماد اجتماعی

بحث و نتیجه گیری

این تحقیق تأثیر جهانی شدن زندگی فرهنگی و سیاسی (متغیر مستقل) بر اعتماد اجتماعی (متغیر وابسته) شهروندان تهرانی را مورد سنجش و به سؤالات زیر پاسخ داده است: میزان جهانی شدن زندگی فرهنگی و سیاسی در میان شهروندان تهرانی چه اندازه می باشد؟ میزان اعتماد اجتماعی در میان شهروندان تهرانی چه اندازه می باشد؟ جهانی شدن زندگی فرهنگی و سیاسی چه اندازه روی اعتماد اجتماعی شهروندان تهرانی تأثیر دارد؟

تأثیراتی که جهانی شدن بر ایران گذاشته است، تسریع تقابل سنت و مدرنیته است. با این توضیح که جهانی شدن به تدریج مدرنیته را از غرب جدا می کند و از طریق نفوذ خود در کشورهای غیر غربی تضاد سنت و مدرنیته را رشد می دهد، اما این مسأله به منزله نفی یکی و پذیرش دیگری نیست، بلکه به منزله آن است که فرهنگ ها، بینش ها، شخصیت ها، آزادی افکار انسان ها (بخصوص در جوامع غیر غربی همچون ایران) دوگانه و دوساحتی می شوند (شمسینی غیاثوند، ۱۳۸۵: ۲۱۷). جامعه سنتی قبل از مدرنیته شدن کوچک و غیر پیچیده بوده است. در جامعه سنتی، مردم وظایف اجتماعی و عقاید شبیه هم داشتند. جوامع از طریق دین و آیین های مذهبی با هم متحد بودند. دین به تعلیم و تربیت، اجتماعی کردن مردم، قانون و انجام شعائر دینی در چنین جوامعی و همین طور فراهم کردن یک برنامه اخلاقی کمک می کرد. اما همان طور که جامعه به سمت مدرنیته شدن پیش می رود، راه های قدیمی را نیز دور می اندازد، چرا که با زندگی مدرن متناسب نیستند. جامعه مدرن، جامعه ای متمدن، گسترده و پیچیده

است. اتحاد پیشین زندگی سنتی فرو می‌باشد، همان‌طور که وحدت عقاید فرهنگی و ایده‌ها از بین می‌رود. وسعت همه‌جانبه‌ی جامعه مدرن مستلزم ایجاد و گسترش نهادهای تخصصی مانند مدرسه‌ها، بیمارستان‌ها، دادگاه‌ها، دولت‌ها است تا نقشی را که قبلاً گروه‌های کوچک یا اشخاص و عقاید خاص به عهده داشتند، جانشین شوند. دین نمی‌تواند با چنین سازمان‌هایی رقابت کند. بنابراین عوض می‌شود و شروع به از دست دادن نقش اجتماعی خود می‌کند (همیلتون، ۱۳۷۹: ۳۴۹).

به اعتقاد جیمز کلمن جهانی‌شدن با سنت‌زدایی از فرهنگ و برقراری حکومت بین‌المللی رسانه‌ها، زمینه را برای یکسان‌سازی جوامع و فرهنگ‌ها به‌وجود می‌آورد. به نظر وی، انسان در عصر جهانی‌شدن، فاقد هر نوع هویت ملی و بومی است و به مفاهیمی معتقد می‌شود که ریشه در سنن او ندارند (مؤمنی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۷۵). تغییرات اجتماعی در جامعه ایران مانند سیلی است که تغییرات و تحولاتی را در ارزش‌ها و نگرش‌ها و باورهای مردم به‌وجود آورده است. بنابراین در این عصر فقط اطلاعات نیستند که سریع جابه‌جا می‌شوند و انتشار می‌یابند بلکه جهانی‌شدن بر روی نوع، شرایط و سطح زندگی روزمره افراد تأثیر گذاشته است. گیدنز، جهانی‌شدن را پدیده‌ای جدید و هم‌انقلابی می‌داند. او مدرنیته را گردونه عظیم می‌خواند و جهانی‌شدن را گردونه از کنترل خارج شده می‌داند، گردونه‌ای که هر کس در برابرش مقاومت کند خرد می‌شود. این تریلی رها شده به پیش می‌تازد و دیگر هیچ کس توان مقابله و رودررویی با آن را ندارد. به اعتقاد گیدنز جهانی‌شدن فرآیندی تناقض‌آمیز و نابرابر است و سرشار از خطر و فرصت است. جهانی‌شدن از نظر او ترکیبی از اضطراب، رهایی و آمیزه‌ای از آزادی‌ها مثلاً برای زنان و عدم اطمینان‌ها مثل بحران هویت است (گیدنز، ۱۳۸۴: ۴۲). مردم ایران و به‌طور خاص تهرانی‌ها، بیشترین خریداران مدهای تولید شده در بازارهای جهانی هستند که محصولات آن‌ها در بازارهای منطقه یا ایران ارائه می‌شود. از طرف دیگر، نوع استفاده از مد، آرایش موی صورت و سر و استفاده از وسایل آرایشی نیز، در شهرهایی چون تهران، حاکی از توجه مردم به حوزه‌های فرهنگی جهانی از طریق رسانه‌های الکترونیکی است. یکی دیگر از شواهد، میزان استفاده‌کنندگان از پایگاه‌های اینترنتی است که در این میان ایران موقعیت ممتازی به لحاظ جمعیت و توسعه این تکنولوژیکی دارد. طبق آمار بانک جهانی، در سال ۲۰۰۴ حدود چهار میلیارد دلار از طرف ایرانیان در صحنه جهانی در مسافرت‌هایشان خرج شده است. بیشتر افرادی که به سفر رفته‌اند، موقع بازگشت به ایران، همراه خود، کالاهای تولید شده در بازارهای جهانی را حمل می‌کنند. این کالاها اعم از وسایل الکترونیکی و وسایل آرایشی و بهداشتی و انواع لباس می‌باشند (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶: ۹۹). کارهای قبلی که انجام گرفته‌اند به‌طور غیرمستقیم با پژوهش ما در ارتباط هستند، تحقیقی که محسن تبریزی و همکارانش انجام داده‌اند به این نتیجه رسیده‌اند که بین اعتماد اجتماعی نسل‌های سه‌گانه تفاوت معناداری وجود دارد. خواجه نوری و حسینی در تحقیق خود به این نتیجه رسیده‌اند که جهانی‌شدن بر ارزش‌های ازدواج تأثیر دارد و در تحقیق محقق و کامران، به این نتیجه

مطالعه تأثیر جهانی شدن زندگی فرهنگی و سیاسی بر اعتماد اجتماعی شهروندان تهرانی

رسیده شده که جهانی شدن فرهنگ و سرمایه اجتماعی با هم رابطه معناداری دارند. در این پژوهش نیز با استنباط از نظریات مختلف چون زیمل که معتقد است، هرچه جهانی شدن زندگی فرهنگی افزایش یابد، اعتماد اجتماعی کاهش می‌یابد، پاتنام معتقد است، هرچه جهانی شدن زندگی فرهنگی (سبک زندگی، ارتباطات) افزایش یابد، اعتماد اجتماعی کاهش می‌یابد. فوکویاما اعتقاد دارد با افزایش فردگرایی میزان اعتماد اجتماعی کاهش می‌یابد و در نظریه گیدنز هرچه در جامعه جهانی شدن زندگی فرهنگی و سیاسی افزایش یابد پس اعتماد اجتماعی کاهش می‌یابد. در این پژوهش سنجش جهانی شدن زندگی سیاسی نشان داد که افراد از نظر گرایش سیاسی نیز تغییر کرده‌اند، افراد باور به آزادی بیان، آزادی مطبوعات، آزادی نقد و آزادی عقیده دارند و آن را نیاز جامعه خود می‌دانند. تحلیل مسیر، نشان می‌دهد تأثیر جهانی شدن زندگی فرهنگی بر اعتماد اجتماعی مستقیم است. جهانی شدن زندگی سیاسی بر اعتماد اجتماعی تأثیر غیرمستقیم قابل توجهی دارد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت اعتماد اجتماعی شهروندان تهرانی بر جهانی شدن زندگی فرهنگی تأثیر دارد.

منابع

- احمدزاده کرمانی، روح‌الله. (۱۳۹۰). بازاندیشی در فرهنگ و رسانه. تهران: انتشارات چاپار.
- اختر محقق، مهدی. فریدون، کامران. (۱۳۹۵). جهانی شدن فرهنگ و سرمایه اجتماعی. فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال هفتم، شماره سی.
- آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۸۶). فرهنگ و هویت ایرانی و جهانی شدن. تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- حافظنیا، محمدرضا. جان‌پور، محسن. (۱۳۹۲). مرزها و جهانی شدن: با نگاهی کوتاه به مرزهای ایران. تهران: انتشارات، پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول.
- خواججه‌نوری، بیژن؛ حسینی، مریم. (۱۳۹۵). رابطه جهانی شدن فرهنگی و ارزش‌های ازدواج در بین ساکنان شهر شیراز. فصلنامه علمی - پژوهشی زن و جامعه، سال هفتم، شماره سوم.
- دهشیری، محمدرضا. (۱۳۹۳). مفهوم‌شناسی جهانی شدن، کتاب رویکردی چندرشته‌ای به جهانی شدن. تهران: انتشارات مرکز ملی جهانی شدن، چاپ اول.
- ریتزر، جورج. (۱۳۷۷). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه‌ی محسن ثلاثی، چاپ ۳، تهران: نشر نی.
- زاهدی، محمدجواد. (۱۳۸۲). توسعه و نابرابری. تهران: نشر مازیار.
- زارعی متین و همکاران. (۱۳۹۵). مدیریت سرمایه اجتماعی. تهران: مؤسسه کتاب مهربان نشر، چاپ اول.

سهامی، سوسن. (۱۳۹۵). بررسی اثر جهانی‌شدن فرهنگی، سرمایه اجتماعی و فرهنگی بر ارزش‌های معطوف به توسعه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی منطقه یک. مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال نهم، شماره اول.

شمسینی‌غیاثوند، حسن. (۱۳۸۵). نشانگان عرفی‌سازی در گفتمان‌های سیاسی متعارض ایران. دانشگاه تهران: رساله دکترا.

شهرام‌نیا، امیرمسعود. نازنین نظیفی. (۱۳۹۲). تأثیر جهانی‌شدن بر دیپلماسی فرهنگی با تأکید بر نظریه صلح‌سازی. مجله راهبرد فرهنگ، شماره بیست و چهارم.

فیلد، جان. (۱۳۸۶). سرمایه اجتماعی. ترجمه‌ی غلامرضا غفاری، حسین رضائی، تهران، نشر کویر. فرهادی محلی، علی. (۱۳۹۰). بررسی تحلیلی پدیده جهانی‌شدن با تمرکز بر حوزه فرهنگ. فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، مقاله چهارم، دوره دوم، شماره پنجم.

کریمی‌مله، علی. (۱۳۸۱). فصلنامه مطالعات ملی، سال سوم. کاووسی، اسماعیل. (۱۳۹۳). فرهنگ و جهانی‌شدن. کتاب رویکردی چندرشته‌ای به جهانی‌شدن. تهران: انتشارات مرکز ملی جهانی‌شدن، چاپ اول.

گل‌محمدی، احمد. (۱۳۸۰). جهانی‌شدن و بحران هویت. تهران، فصلنامه مطالعات ملی، سال سوم شماره ۱۰.

گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۷). پیامدهای مدرنیت. ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: انتشارات مرکز. گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۴). چشم‌اندازهای جهانی. ترجمه محمدرضا جلائی‌پور، تهران، انتشارات طرح نو. میرمحمدی، داود. (۱۳۸۱). جهانی‌شدن، ابعاد و رویکردها. تهران، فصلنامه مطالعات ملی، شماره یازدهم، سال سوم.

مؤمنی، حسن و همکاران. (۱۳۹۲). اینترنت و هویت ملی. فصلنامه مهندسی فرهنگی، سال هشتم، شماره ۷۶.

محسنی تبریزی، علیرضا و همکاران. (۱۳۹۰). بررسی اعتماد اجتماعی با نگاهی نسلی به جامعه. مجله جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و دوم، شماره اول.

مولایی، جابر و همکاران. (۱۳۹۵). بررسی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر میزان اعتماد اجتماعی دانشجویان دختر دانشگاه پیام نور شهر آبدانان. فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)، دوره دهم، شماره چهارم.

همیلتون، مالکوم. (۱۳۷۹). جامعه‌شناسی دین. ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: انتشارات ثالث. هابرماس، یورگن. (۱۳۸۱). جهانی‌شدن و آینده دموکراسی: منظومه پساملی. ترجمه‌ی کمال فولادی، تهران: انتشارات مرکز.

مطالعه تأثیر جهانی شدن زندگی فرهنگی و سیاسی بر اعتماد اجتماعی شهروندان تهرانی

نوابخش، مهرداد. مستانه سادات نیکوکار. (۱۳۹۰). جهانی شدن و بحران هویت جوانان. فصلنامه مطالعات فرهنگ ارتباطات، مقاله پنجم، دوره دوم، شماره سوم.

- Arab, N. & et al. (2011). the Crises of Identity: Globalization and Its Impacts on Socio-Cultural and Psychological Identity Among Pakhtuns of Khyber Pakhtunkhwa Pakistan, International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences, vol. 1.

- Copesescu, S. (2011). Aspects of Identity Construction in the Context of Globalization, Bulletin of the Transylvania University of Brasov, Series VII: Social Sciences, Law, vol. 4.

- Pannilage. (2017). an Introduction to the Theoretical Perspectives of Globalisation, Journal of the Humanities and Social Sciences Vol VII.

- Kursunoglu, A. (2009). an investigation of organizational trust level of teachers according to some variables, Procardia Social and behavioral science.

